

جای در دسترس از این مجموعه
در دسترس است

۱۱۰۲۱۳۱
۳

۱۳۵۲/۱۲/۲۸

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر
حضرت آیت الله طالقانی

سروران گرام، پس از استماع بیانات آن رهبران عالیقدر از تلویزیون در شب چهارشنبه بیست و سوم اسفند ماه ۱۳۵۲ از اینکه افکار و عقاید اینجانب تا این حد در رجبات اهداف دولت است احساس ضعف و غرور کردم. همانطور که هر دو آقایان اشاره فرمودید معتقدم که خدمتگزاران و وطن پرستان واقع بین کسانی هستند که در وضع بحرانی فعلی بجای شعار دادن و ایجاد هو و جنجال سعی کنند کار مفید انجام دهند. بدین منظور طرحی بفکرم رسید و بود که در ابتدا ای امر تصمیم داشتم با جمع آوری گروهی همفکر از بین هموطنان کار و فعالیت را آغاز کنم ولی برای یافتن اشخاص ذی صلاحیت احتیاج بکمک از رساناهای گروهی داشتم که متأسفانه هیچکدام از روزنامه‌های کشور انتشار حاضرید رج مقاله اینجانب نشدند. لذا علیرغم عدم تعایل شخصی باینکه دست کم یک طرف دولت در از کم ناچار طرح خود را که در زمینه فعالیت کشاورزی است در تاریخ ۱۳۵۲/۱۲/۲۰ تحت شماره ۱۵۹۹ برای معاونت نخست وزیر را مور طرحهای انقلاب ارسال داشتم که تا این تاریخ پاسخی دریافت نکردم. از آنجا که آقای نخست وزیر در سخنرانی تلویزیونی خود اشاره فرمودند که بهتر است افراد طرحها و پیشنهادات خود را برای دفتر معاونت نخست وزیر در طرحهای انقلاب ارسال کنند لازم است بعرض برسانم که شاید بعلمت کثرت مراجعات و نامه‌ها این دفتر سرعت لازم را ندارد و اینجانب پیشنهادی نیز در جهت سرعت بخشیدن بکار این دفتر دارم که سعی خواهم کرد ضمن تقدیم کپی این نامه بآن دفتر حضورا برای مسئولین محترم تشریح کنم. در هر حال بعقیده نگارنده طرح تقدیمی نه تنها میتواند در صورت تعمیم برای کشاورزی و تقلیل بیکاری مفید باشد بلکه نحوه مطرح کردن آن نیز در جهت تبلیغ و توسعه اهداف دولت موثرتر است.

در خاتمه باعث مزید امتنان خواهد بود اگر دستور فرمائید در صورت امکان کمک و راهنمایی ممکن را با

اینجانب معمول دارند.

آدرس: خیابان پهلوی، شماره

تلفن: ۸۲-۲۲

با تقدیم احترام
امجد
ایرج جوادی

بیایید خودمان برای مشکلاتمان راه حل پیدا کنیم

هر کدام از هموطنان که چهره‌ای مشابه آنچه ذیلاً "ترسیم میکنم دارند میتوانند این دعوت را اجابت کنند.

حسن یا منوچهر یا جعفر میتواند در تهران یا تبریز یا آبادان زندگی کند ولی مشخصاتی کم و بیش مشابه دارد، پنج یا ده یا پانزده سال پیش از دانشکده‌ای در داخل یا خارج از کشور فارغ التحصیل شده و مهندس برق - مهندس ساختمان - دکتر اقتصاد - لیسانس حسابداری یا متخصص کشاورزی است. در بازار کار داغ آروزهای مملکت در یک شرکت خصوصی و یا دولتی مشغول بکار شده. بعلمت کار و زحمت صادقانه نسبت به سرمایه‌داریکه صاحب موسسه بوده و یا مدیر عامل شرکت دولتی که از طرف وزیر و یا معاون وزیر وقت انتخاب شده تا سطح مدیریت متوسط و یا بالای دستگاه ترقی کرده. در عین اینکه از نظر مادی تا حدودی تاءمین بوده و میتواند ماهی چهار، پنج هزار تومان اجاره یک آپارتمان دواطاق و یا سه‌طاق خوابه را بدهد. در عین اینکه اتومبیلی داشته و سالی یکبار میتواند دست‌زن و بچه‌خود را بگیرد و بسفر شمال و یا حتی اروپا ببرد، در عین اینکه برای خود دوستانی داشته که زبان یکدیگر را درک میکردند و هفته‌ای یکی دوشنبه دورهم جمع میشدند و گل میگفتند و گل میشنیدند ولی در اعماق وجودش هیچوقت راضی نبوده همیشه احساس نوعی کمبود میکرد در محافل دوستانه خود پس از اینکه اطمینان حاصل میکرد که بچه‌ها سرشان بکارشان گرم است و حرفهای آنها را نمیشنوند برای شاهنشاه آریا مهر - حزب رستاخیز و دروازه‌های تمدن بزرگ مضمون کوک میکرده و متاک میگفته هیچوقت عضو حزب رستاخیز نشده، در تظاهرات و میتینگ‌های آریا مهری شرکت نکرده حتی شاید در فراندنم ششم بهمن و انتخاباتهای کدائی مجلسین هم راهی نداده ولی در عین حال نمیتواند افتخار کند که مثل پاره‌ای از گروههای سیاسی در تمام دوران اختناق مبارزه کرده و دایم بین زندان و زندان اوین در حال تردد بوده. زمانیکه زمزمه مبارزه و اعتصابات شروع شد کم و بیش در مبارزات شرکت کرده ولی باز هم نه شهید شده و نه حتی زخمی. و حالا که بشکر خدا اولین سنگری پروزی بدست آمده دلش میخواهد مفید باشد و برای مملکتش کاری بکند ولی چه کار؟

او اعتقاد دارد که باید بدولت فرصت داد تا با کوهی از مشکلات که در مقابل دارد دست و پنجه نرم کند و یکی یکی بحل و فصل آنها بپردازد. او بعضی از برنامه‌های دولت را نمی‌پسندد، به بعضی انتصابات اعتراض شدید دارد ولی در عین حال جوان تازه از مدرسه درآمده نیست و در طی زندگی اداری خود خودش مدیر بوده و میدانده که کوچکترین تصمیم‌ها و انتصابات مستلزم چه مقدار مطالعه و داشتن امکانات مساعد است. او در گذشته خودش بارها در تصمیم‌گیری‌های مدیریت دچار اشتباه شده و از آن اشتباهات پند گرفته و میدانده که برای انجام هر کاری حتی هزارها برابر کوچکتر و کم‌اهمیت‌تر از امور که دولت ملی با آنها دست‌بگریبان است چه امکاناتی لازم است که این دولت که منتخب اکثریت ملت است فاقد آنهاست. او میدانده که عده‌ای از هموطنان شتابزده و با حسن نیت بعلاوه پاره‌ای دیگر که در حسن نیت آنها تردید هست انواع کار شکنی‌ها را هم در کار دولت میکنند. پس او دم برنامه‌ور و دوفعلاً "با قلم و زبان و عمل چوب‌لای چرخ دولت نمیگذارد ولی در عین حال نميخواهد با زهم مثل گذشته پوچ و اگر نگوئیم بی‌ثمر لااقل کم‌ثمر باشد.

ولی گرفتاری این هموطن بهمینجا خاتمه پیدا نمیکند و در این مدت بعلمت تعطیل شدن پاره‌ای از موسسات و شرکتها کار خود را هم از دست داده و دیگر درآمدی برای امرار معاش ندارد.

اوبعلت اعتقادی که باین نهضت و این انقلاب دارد میدانده که برای بدست آوردن آزادی و دموکراسی باید فداکاری کرد و این حداقل سهمی است که باورسیده ولی از تصور عاطل و باطل بودن و بیکارگشتن رنج میبرد. باین دلیل اینروزها وضع روحی رضایت بخشی ندارد و نه میخواهد و نه میتواند از مملکت عزیز خود مهاجرت کند و برای زندگی بنقطه دیگری از دنیا برود. پس این هموطن چه باید بکند؟

اینجانب روزها و ساعتها فکر کردم از تعارف گذشته بنظر نمی رسد که باین زودیها وضع آنقدرها سروسامان پیدا کند که تمام اینقبیل اشخاص شغل داشته باشند. قرزدن و ازدولت و سایر هموطنان توقع داشتن که هرچه زودتر سرکار بروند و به اعتصامها و مخالفتها خاتمه دهند اگر هم منطقی و منصفانه باشد ضمانت اجرائی ندارد ولی دست روی دست گذاشتن هم دردی را دوا نمیکند. اینجانب راه حلی پیدا کرده ام و دست همکاری و کمک بطرف سایر هموطنانم که وضعی مشابه دارند دراز میکنم.

درپاره ای زکشورها واحدهای کوچک کشاورزی و خوددار که افراد آن با صمیمیت و پشت کار هرروز ساعتها کار میکنند و بتولید محصولات کشاورزی مشغولند. چنین مری اگر محدود باشد و سایر هموطنان بآن تاءسی نکنند میتوانند مسأله زندگی اینعه و اگر تعمیم پیدا کنند میتوانند بسیاری از مسائل مملکت را حل کنند.

اینجانب برنامه مفصلی برای ایجاد چنین واحدهای طرح کرده ام که بینهایت مفید و هیجان انگیز بنظر میرسد. میتوانیم نیروهای کوچک و سرمایه های کوچک خود را رویهم بگذاریم و با میدخدا چنان موفق شویم که سایر هموطنان و دولت هم درآینده از ما تقلید کنند. لذا از اشخاصیکه شرایط زیر را دارند برای دعوت میکنم.

۱- آمادگی برای زندگی سخت و کار زیاد

۲- آمادگی جسمی و روحی برای زندگی در هر نقطه ایران با حداقل شرایط رفاهی در ابتدای امر

۳- تخصص در یکی از رشته های کشاورزی - دامداری - امور ساختمان ، ماشین آلات یا تاءسیسات

۴- یکنفر روحانی فارغ التحصیل دانشگاه که حاضر باشد لباس روحانیت را در ساعات کارترک کرده و لباس کار بپوشد. و در ساعات فراغت به تعالیم دینی و رهبری انجام فرائض مذهبی بپردازد. درعین حال سایر هموطنان که از اقلیتهای مذهبی هستند در صورت تمایل میتوانند باین گروه ملحق شوند.

۵- امکان سرمایه گذاری نقدی تا حدیکه برای رفع احتیاجات اولیه لازم باشد. مبلغ این سرمایه بعد از مشورت با سایر دأطلبان تعیین میشود.

۶- پذیرفتن زندگی خارج از شهرهای بزرگی از نظر خانوادگی و تاءهل چه ممکن است در سالهای نخست امکانات تحصیل فرزندان با کمبودهایی مواجه گردد.

۷- شاغل نبودن در حال حاضر و نداشتن امکان و احتمال اشتغال درآینده نزدیک.

علاقمندان میتوانند در ساعات اداری بتلفنهای ۸۹۸۶۶۱ الی ۸۹۸۶۶۴ و شبها بتلفن ۲۲۳۵۸۲- علاقمندان میتوانند تا پس از تبادل نظر و توضیح بیشتر برای اولین جلسه معارفه و آشنائی از آنها دعوت بعمل آید.

۱. جواد